

تبیین جامعه‌شناسانه تک‌پیکرنگاری در قالی‌های تصویری عصر قاجار بر پایه نظریات رابرت و سنو

/// لاله آهنی^{۱*}، آزاده یعقوب‌زاده^۲

^۱ استادیار دانشکده فرش، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

^۲ استادیار دانشکده فرش، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۳-۰۹-۰۷، پذیرش نهایی: ۱۴۰۳-۱۲-۲۰

◀ چکیده

عصر قاجار به تناسب تحولات مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تغییرات مهمی را در عرصه هنرهای سنتی شاهد بوده است. یکی از مهم‌ترین تحولات در عرصه هنر عصر قاجار، ظهور پیکرنگاری بر زمینه نوین قالی تصویری است. این پژوهش می‌کوشد با رویکردی جامعه‌شناسانه، نشانه‌هایی از سنت تصویری دوره قاجار را در تعامل و یا در چالش با یکدیگر مورد مطالعه قرار دهد که متأثر از تغییرات در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و درون آن شکل گرفته است. از اینرو بر پایه نظریات جامعه‌شناسی رابرت و سنو و با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای به مطالعه نمونه قالی‌های تصویری دوره قاجار پرداخته شده و در این راستا عوامل اجتماعی مؤثر در تغییرات ایجاد شده در آن با تأکید بر حضور پیکرنگاری مورد بررسی واقع شده است. برآیند پژوهش، نشان می‌دهد که عناصر فرهنگی و هنری، همواره در ارتباط با محیط اجتماعی‌شان قابل تغییر هستند. چنانچه جایگاه بافت‌های نهادی در تغییرات مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای تولید فرهنگ، اندیشه و هنر عوامل محرک و مؤثری هستند که در نتیجه، گرایش به نمایش پیکره در زمینه جدید و نوین قالی تصویری را می‌توان از دستاوردهای این تغییرات نهادی و فرهنگی دانست.

◀ واژگان کلیدی

تغییر فرهنگی، هنر قاجار، پیکره‌نگاری، قالی تصویری، رابرت و سنو.

◀ مقدمه

دوره قاجار یکی از دوره‌های مهم و تأثیرگذار تاریخ ایران می‌باشد؛ در ابتدای این دوره سنت و مدرنیته با هم درآمیخته بودند که منجر به تحولات مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شد. این تحولات از یک سو سنت‌های اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار داد و از سوی دیگر در حوزه‌های هنری مختلف اثر گذاشت؛ می‌توان گفت با در نظر گرفتن تمام عوامل و شرایط زمانی، عصر قاجار یکی از دوره‌های مهم ایران است که متأثر از تغییرات گفتمانی، آن عصر شاهد تحولات عمده و متعددی بوده است که در هنر آن دوره نیز بسیار مؤثر بوده است.

مطالعه هنر ایران در دوره قاجار تغییرات ساختاری و گفتمانی متعددی را به نمایش می‌گذارد که به گونه‌ای نشانگر تأثیر عوامل مختلف بیرونی بر عرصه‌های گوناگون هنرهای بصری و کاربردی است. ایجاد سبک‌های مختلف و نمایش عناصر نوین و یا توجه به عنصری خاص در طرح و نقش و رنگ و طریقه نمایش آن‌ها می‌تواند از جمله موارد تأثیرپذیر این تغییرات باشند.

در عصر قاجار تصویرگری و فراتر از آن، محوریت انسان به‌عنوان موضوع اصلی در هنرهای مختلف و همچنین در قالی‌های تصویری پدیده‌ای است که تا حدود زیادی به‌عنوان یک تغییر عمده در هنر ایران به وقوع پیوسته است. از این منظر، این پژوهش به بررسی چگونگی تغییر در زمینه نمایش پیکره در یکی از انواع هنرهای کاربردی یعنی قالی‌های تصویری دوره قاجار می‌پردازد. رواج قالی‌های تصویری خود یکی از دستاوردهای مهم تغییر فرهنگی در هنر ایران می‌باشد که به دلایل متعدد اجتماعی و فرهنگی تحت تأثیر صنعت چاپ و عکاسی در عصر قاجار گسترش و مورد استقبال فراوان قرار گرفت.

از این منظر نگاه و رویکرد رابرت و سنو^۱ جامعه‌شناس امریکایی که به بررسی نحوه تأثیرگذاری ساختارهای اجتماعی بر تغییرات در هنرها می‌پردازد، قابل توجه و منطبق بوده و از اینرو، بنیان نظری پژوهش حاضر در بررسی قالی‌های تصویری دوره قاجار قرار گرفته است. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به یک سوال کلی است که عوامل و شرایط زمینه‌ساز مؤثر در شکل‌گیری تحول و نگرش بر عنصر نمایشی پیکره در زمینه و رسانه جدید قالی‌های تصویری چیست؟

◀ پیشینه پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش، پیشینه‌های مورد مطالعه در حوزه جامعه‌شناسی با رویکرد و سنو و مطالعات تاریخی و اجتماعی دوره قاجار و مطالعات در حوزه قالی‌های تصویری مد نظر قرار گرفته است.

رشادی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی و تحلیل میزان بازتاب شاخصه‌ها و ابعاد هویت ملی در قالیچه‌های تصویری دوره قاجار» به بررسی نوآوری در سنت طراحی فرش ایران و

به‌ویژه در قالی‌های تصویری دوره قاجار از منظر جایگاه و نمود شاخصه‌های هویت ملی و ایرانی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد تصویربافی‌های دوره قاجار با انتخاب موضوعاتی در تناسب با فرهنگ ایرانی و حاوی مفاهیم و مضامین عمیق و ریشه‌دار هویتی بوده است. پورمختار و قاضی‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله «تأثیر اسلام بر هنر ایران (مطالعه جامعه‌شناختی با تکیه بر آراء رابرت وائنو)» به بررسی نقش شرایط اجتماعی و تغییر فرهنگی در شکل‌گیری هنر ایران قبل و بعد از اسلام پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، بر طبق آراء رابرت و سنو جایگاه بافت‌های نهادی در تغییرات اجتماعی این دوران از مهم‌ترین عوامل بوده است. میرزایی و رحمانی (۱۴۰۰) در مقاله «بازتاب ابعاد اجتماعی مشروطه بر قالی‌های تصویری دوره قاجار» به بررسی چگونگی و تنوع جغرافیایی بازتاب گفتمان مشروطه‌خواهی در قالی‌های تصویری دوره قاجار پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ابعاد اجتماعی گفتمان مشروطه‌خواهی در قالی‌های تصویری با اکثریت قالی‌های تبریز در دو قالب تصویر و نوشتار بازتاب یافته‌اند. سجودی و عطایی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی تحول کارکرد پیکرن‌نگاری در دوره دوم قاجار و پیامدهای گفتمانی آن» به بررسی تأثیر گفتمان تجدید بر بازنمایی چهره پادشاهان قاجار بر اساس نظریه گفتمان در آراء لاکلا و موفه پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد گفتمان تجدید با مرکزیت قانون قبل از هر چیز تفاسیر فرازمینی و تقدس‌نمایی را از چهره پادشاهان این دوره زدوده است و دسترسی به شاه در تصاویر آسان‌تر شده است. بدین ترتیب پیکر شاه در تصاویر واقعی و ملموس شد و تصاویر کارکرد خود را که تبلیغ و تثبیت قدرت بود رفته‌رفته از دست داد. رادمرد و حق‌گو (۱۳۹۹) در مقاله «بسترهای فروپاشی کهن سلطنت، مطالعه موردی: ناکارآمدی دو وقته عدالت و آزادی» به بررسی دلایل فروپاشی گفتمان کهن سلطنت پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بروز بحران و بی‌نظمی عمومی در ایران عصر قاجار از یک طرف و آشنایی ایرانیان با گفتمان مشروطیت در غرب، زمینه حاشیه‌رفتن گفتمان کهن سلطنت و طرد معانی پیشین عدالت و آزادی به حوزه گفتمانی شد. کشاورز افشار و روزبهانی (۱۳۹۸) در مقاله «تأثیرگذاری ساختار اجتماعی در گرایش به سبک‌های جدید نقاشی ایران (دهه چهل و پنجاه شمسی)» با تأکید بر دیدگاه روبرت و سنو^۲ به بررسی عوامل جامعه‌شناسی مؤثر بر گرایش‌های جدید هنر نقاشی در دهه چهل و پنجاه شمسی و بر اساس دیدگاه روبرت و سنو می‌پردازند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که جنبش‌های هنری، همواره در ارتباط با محیط اجتماعی‌شان هستند. منابع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیروهای محرکی برای تولید فرهنگ، اندیشه و هنر هستند. علیزاده بیرجندی

از انقلاب مشروطه پرداخته و به مطالعه زمینه‌ها و عواملی که سبب این تغییر بوده‌اند، پرداخته است. وجه تمایز پژوهش حاضر با پیشینه‌های مورد مطالعه این است که با بهره‌گیری از آراء رابرت وسنو، تأثیر تغییرات گفتمانی جامعه قاجار بر روی قالی‌های تصویری با محوریت موضوعی انسان و تک‌پیکره‌نگاری مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

مدل نظری و سنو به عنوان مدل روش‌شناسی:

رابرت وسنو یکی از نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی در حوزه مطالعات فرهنگی است. به اعتقاد وسنو فرهنگ همان محصولات فرهنگی عینی و ملموس است. به عبارت دیگر، فرهنگ همان کالاها و اشیای نمادین است. بر خلاف نگرش‌های کلاسیک به فرهنگ، وسنو دید تازه‌ای به فرهنگ داشته و با رویکرد عینی به فرهنگ می‌نگریسته است. وی در رابطه با تغییرات اجتماعی که منجر به ایجاد تغییر در ایدئولوژی‌ها می‌شود، مطالعات بسیاری انجام داده است. رابرت وسنو نظریه‌پرداز آمریکایی معتقد است تحولات فرهنگی در نتیجه جنبش‌های تاریخی خاص حاصل می‌شود. به عبارتی دیگر تحولات فرهنگی در نقاط عطف تاریخی عمدتاً پدید می‌آید. به اعتقاد وسنو تحولات فرهنگی روندی تدریجی و مستمر نداشته و بیشتر در قالب دوره‌های نسبتاً مجزای خیزش و جنبش فرهنگی قابل تحلیل و مطالعه است (وسنو، ۱۳۹۹: ۱۷). وسنو نظریه خود را در قالب سه دسته از مفاهیم، برای تبیین تغییر فرهنگی مطرح می‌کند. وی معتقد است که فرآیند خلق و تولید نظام‌های هنری، نیازمند منابع کافی برای تولید آن‌هاست. بر اساس نظریه وسنو، این منابع به سه دسته «شرایط محیطی»؛ «تولید، انتخاب و نهادینه شدن»؛ و «افق اجتماعی، قلمروهای گفتمانی و کنش نمادین»^۵ تقسیم می‌شوند.

گروه اول شامل شرایط محیطی است. وسنو معتقد است برای بررسی نحوه پیدایش نظام‌های ایدئولوژیک جدید، شناخت چگونگی تغییر شرایط محیط کلانی که این ایدئولوژی‌ها در آن به وجود آمده‌اند، ضروری است. از نظر وسنو در هر یک از دوره‌های تغییر فرهنگی، شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به عنوان بخشی از شرایط محیطی به شمار می‌آید. از نظر وی، مسائلی همچون رونق یا رکود اقتصادی؛ افزایش یا کاهش جمعیت؛ فضای سیاسی آرام یا متشنج جامعه؛ و یا اعتقادات مذهبی جامعه مورد مطالعه، تحت عنوان شرایط محیطی به شمار می‌آید. عوامل ذکرشده، تعیین‌کننده ماهیت و محتوای الگوهای کلان اجتماعی هستند. این عوامل برای مطالعه و بررسی تغییرات فرهنگی یا هنری جامعه مورد مطالعه نقطه شروع خوبی محسوب می‌شود (همان، ۲۲).

در راستای مطالعه شرایط محیطی، وسنو به مفهوم دیگری در مدل نظری خود می‌پردازد که «بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی»

و ناصری (۱۳۹۵) در مقاله «پیوندهای هنر و سیاست در عصر قاجار و پیامدهای آن» به بررسی نحوه برخورد نخبگان حکومتی با هنرمندان، آثار هنری و پیامدهای ناشی از آن پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد تعاملات سیاست و هنر در قالب حمایت‌های سیاست از هنر و در مواردی نیز تقابل هنر و سیاست است که نمودهای این تقابل را در مضامین انتقادی آثار هنری می‌توان یافت. ایمانی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «گفتمان باستان‌گرایی در نقوش قالی‌های تصویری دوره قاجار» با رویکردی جامعه‌شناسانه، قالی‌های تصویری با موضوع پادشاهان در دوره قاجار را مورد بررسی قرار داده و به مطالعه دال‌های گفتمانی مؤثر در قالی‌های تصویری دوره قاجار با موضوع پادشاهان پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد در دوره قاجار به دلیل نفوذ اندیشه‌های هویت‌یابی، گفتمان ایرانیت رشد یافته است. سجودی و قاضی مرادی (۱۳۹۱) در مقاله «تأثیر گفتمان مشروطیت بر هنجارهای تصویری دوره قاجار» بر اساس نظریه گفتمان در آراء لاکلا و موفه، تأثیر گفتمان مشروطیت بر هنجارهای تصویری عصر قاجار در سه دوره تاریخ ایران را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، گفتمان پیشامشروطیت دسترسی به شاه را آسان‌تر کرد و بدین ترتیب پیکر شاه در تصاویر، واقعی و ملموس شد. همچنین توده مردم به تدریج در این گفتمان به رسمیت شناخته شدند. شاپسته‌فر و صباغ‌پور (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی قالی‌های تصویری دوره قاجار» به بررسی عوامل زمینه‌ساز و مؤثر بر روند تصویرگری در قالی‌های قاجار پرداخته و در این راستا قالی‌های تصویری موزه فرش ایران بر اساس مضامین و موضوعات به کار رفته، مورد طبقه‌بندی واقع شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد در این برهه تاریخی، تصویرگری در قالی‌های این دوره تحت تأثیر عوامل متعددی همچون هنر غرب، پیدایش صنعت چاپ و عکاسی ظهور پیدا کرده است. علی زاده و طرفداری (۱۳۸۹) در مقاله «تبارشناسی مبانی هویت ملی در تاریخ‌نگاری ملی‌گرایانه دوران قاجار و مشروطه» به بررسی میزان تأثیر تاریخ‌نگاری‌های ملی‌گرایانه بر توسعه نگاه‌های ناسیونالیستی به تاریخ ایران می‌پردازد و بنیان‌های هویت ملی در تاریخ ایران باستان در میان روشنفکران و رجال سیاسی و فرهنگی معاصر ایرانی را مورد مطالعه واقع شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد در این دوره نوعی ملی‌گرایی در قالب باستان‌گرایی به صورت جزئی اساسی از دیدگاه تاریخی روشنفکران و مورخان پدید آمده و رسالت اصلی تاریخ‌نویسی، تقویت غرور و وحدت ملی از طریق رواج ملی‌گرایی باستان‌گرایانه در بازنگاری تاریخ و معاصر‌نویسی تلقی شد. پرتوی (۱۳۸۸) در مقاله «تأملی در تحولات تاریخ‌نگاری عصر قاجار و عوامل آن تا پیش از انقلاب مشروطه» به بررسی تحولات تاریخ‌نگاری در عصر قاجار تا قبل

یکی از مسائل اساسی در نظریه وسنو در مورد تحول و تغيير فرهنگی این است که تغيير در شرايط جوامع به چه نحوی، تغيير فرهنگی را موجب می‌شود. بر اساس نظريات وسنو، روند توليد و تغيير فرهنگی تحت تأثير تغييرات بزرگ اجتماعی در دوره‌ها و نقاط عطف تاریخی حاصل می‌شود و در این راستا نظریه فرهنگی، مکانیسم‌های واسطی که موجب تغييرات اجتماعی و تغيير فرهنگی شده را تعريف می‌کند.

پيکرننگاری در هنر ايران:

پيکرننگاری در هنر ايران به یک باره به وجود نیامده است و برای یافتن الگو و نمونه‌هایی از آن با رجوع به سنت‌های هنر ايران باستان می‌توان شواهد متعددی یافت. اولین و نخستین بارقه‌های حضور پيکره در هنر ايران را می‌توان در نقوش نقاشی‌های دیواری مانویان، نقش برجسته‌های هخامنشی، ظروف سیمین و زرین ساسانی و تندیس‌های اشکانی دانست. در دوره اسلامی تحت تأثير تفکر و اندیشه اسلامی منع صورتگرایی و نمایش انسان رواج یافت و در نقاشی ایرانی ادوار اسلامی به صورت آرمانی و بدون محوریت اصلی به نمایش گذارده شد. دوره دوم ظهور بارقه‌های حضور پيکره در هنر ايران را می‌توان تحت تأثير تحولات فرهنگی و اجتماعی دانست که در اواخر صفویه آغاز و در دوره قاجار به بار نشست، تغييراتی که در زمینه هنر تصويرگری قالی نیز بسیار مؤثر واقع شد. این تغيير در ابعاد تصوير پيکره و نمایش انسان نیز تأثیرگذار بود. در واقع شیوه شبیه‌سازی و واقع‌گرایی را می‌توان ره‌آورد هنر طبیعت‌گرایی غربی در هنر ايران دانست.

با به وجود آمدن گونه‌ای نو از نقاشی ایرانی در قرن دهم قمری (شانزدهم میلادی)، بريك تصوير و به عبارتی پيکره انسان مورد تمرکز و تأکید قرار گرفت. در این رویکرد جدید، ویژگی‌های شخصی و ظاهری مختص به فرد مورد نظر تصويرپردازی می‌شد. در این تصاویر، پس زمینه عمدتاً ساده و گاهی از طرح‌های گیاهی مورد استفاده قرار می‌گرفت که عموماً به صورت تک‌برگی نقاشی شده‌اند. یکی از هنرمندان تأثیرگذار در این زمینه رضا عباسی بود که با انتخاب و طراحی موضوعات نوآورانه و جدید در نقاشی ایرانی تحولی پدید آورد. اکثر پيکره‌های تصويرشده وی به نوعی بیان‌کننده زیبایی آرمانی سفارش‌دهندگان ثروتمند و اشراف‌زاده بوده است. در پيکرننگاری‌های این عصر نوع خاصی از واقع‌نگاری آرمانی در جریان بوده که واقعیت را نه به صورت قابل مشاهده توسط چشم، بلکه به صورت آرمانی آن به نمایش می‌گذارد، حتی در دوره‌هایی که چهره‌پردازی و پيکرننگاری به واقع‌گرایانه‌ترین شکل ممکن پرداخته شده است، واقع‌نگاری از نوع آرمانی مورد نظر بوده است.

با تحول سلايق و تأثيرپذیری از جریان‌های هنری اروپایی روح هنری متفاوتی در تصويرگری عصر قاجار ایجاد گردید. در این بین

نامیده شده است؛ در واقع محل توليد ایدئولوژی تلقی می‌شوند و به نوعی زیربنای شرايط محیطی به واسطه آن‌ها پایه‌ریزی و ساخته می‌شوند. به عبارتی زمینه‌های نهادی، وضعیت و موقعیت‌هایی هستند که جنبش‌های فرهنگی در درون آن‌ها، ایجاد می‌شود. در واقع محلی برای کسب مشروعیت لازم برای توليد فرهنگ محسوب می‌شود که به طور مستقیم بر توليد و توزیع فرهنگ اثرگذار است (کشاورز افشار، ۱۳۹۸: ۹). بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی محل توليد ایدئولوژی محسوب می‌شوند. مراکز آموزشی، روزنامه‌ها و احزاب سیاسی از جمله بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی تلقی می‌شوند. در بافت‌های نهادی منابع لازم برای توليد فرهنگی وجود دارد (وسنو، ۱۳۹۹: ۲۶). سومین مفهوم در مدل نظری وسنو در دسته اول، «زنجیره‌های کنش» است. در درون بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی، زنجیره‌های کنش ایجاد می‌شود. در نظریه وسنو، زنجیره‌های کنش، با توليدکنندگان، مصرف‌کنندگان و حامیان فرهنگ معنا می‌یابد (پورمختار و قاضی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۱۶).

گروه دوم عبارت از «توليد، انتخاب و نهادینه‌شدن» است. از نظر وسنو، تغييراتی که در فرهنگ یک جامعه به وجود می‌آید یک جایگزینی ساده نبوده بلکه این تغييرات طی فرآیندهای مختلفی رخ می‌دهد که شامل توليد، انتخاب و نهادینه‌شدن است. در مرحله توليد، با افزایش تنوع اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها مواجه هستیم که بر اساس آن‌ها محصولات فرهنگی به وجود می‌آید (وسنو، ۱۳۹۹: ۳۰). با افزایش توليد محصولات فرهنگی جدید، فرآیند انتخاب آغاز می‌شود. و در نهایت این محصولات جایگزین محصولات قبلی می‌شوند و به عبارتی نهادینه می‌شوند. بر اساس مدل نظری وسنو، در این مرحله می‌توان به عینه تأثیر شرايط اجتماعی بر محصولات فرهنگی را درک کرد (پور مختار، ۱۴۰۰: ۱۱۷).

گروه سوم از مفاهیم مدل نظری وسنو شامل «افق اجتماعی، قلمروهای گفتمانی و کنش نمادین» است که در بررسی تغييرات گفتمانی جوامع مطرح می‌کند. وسنو به منظور مشخص کردن ارتباط شرايط اجتماعی و ظهور ایدئولوژی‌ها به شرح سه مفهوم افق اجتماعی، قلمروهای گفتمانی و کنش نمادین می‌پردازد. از نظر وسنو محصولات فرهنگی در زمان و مکان توليد می‌شوند که این دو بُعد اشاره به افق اجتماعی دارد. در واقع بین محتوا با این افق‌ها ارتباط ویژه‌ای در جریان است (وسنو، ۱۳۹۹: ۳۴). قلمرو گفتمانی، در واقع ساختار نمادینی است که ایده‌ها در آن قالب مطرح می‌شوند و در نتیجه می‌توان نمود افق اجتماعی را در این ساختار درک کرد. قلمرو گفتمانی فضایی مفهومی است که تفکر خلاق را امکان‌پذیر می‌کند. کنش نمادین نیز شیوه‌ای از رفتار است که با توجه به امکانات و محدودیت‌ها در یک قلمرو گفتمانی معنا می‌یابد (کشاورز افشار، ۱۳۹۸: ۱۰).

ورود الگوهای سیاسی جدیدی بود که از غرب نشأت گرفته بود. آنچه در این گفتمان مورد بازنگری قرار گرفت، مفاهیمی همچون «ملت»، «دولت»، «آزادی»، «مساوات»، «برابری»، «قانون»، «مشروطیت» و «مشروعیت» بود (توکلی طریقی، ۱۳۶۹: ۴۲۵).

در سیر تحول تاریخ روی هم رفته می‌توان گفت قرن نوزدهم میلادی عصر پیروزی آزادی و حکومت ملی است و تکامل آن تا اوایل قرن بیستم نیز ادامه یافت. ادامه آن را می‌توان دوران بحران آزادی و دموکراسی نام‌گذاری کرد. پیرو نشر مادی‌گرایی در اروپا، مفهوم آزادی به‌عنوان فلسفه‌ای نو که نمادی از مدنیت فکری و عقلی به شمار می‌آمد، موجب پیدایش نهضت‌های ملی در اکثر کشورها شد. نهضت مشروطیت نیز در ادامه این جریان عمومی در ایران رخ داد. در واقع بیداری افکار در ایران نتیجه رواج تمدن غربی و در راستای برقراری ارتباط بین ایران و اروپا پدید آمده است. به عبارتی پیش‌زمینه‌های نهضت ترقی‌خواهی در ایران در ابتدای قرن نوزدهم میلادی ایجاد شد (آدمیت، ۱۳۹۴: ۱۹). در نتیجه آشنایی ایرانیان با مدرنیته، آگاهی از هویت «دیگری» و ادراک جدیدی بر پایه «خودآگاهی» نسبت به موقعیت خویش به‌وجود آمد. در ادامه این آشنایی، ایرانیان به شکل جدیدی از مراودات و مناسبات اجتماعی و گونه متفاوتی از حکومت‌ها پی بردند (وحدت، ۱۳۷۹: ۱۲۸).

بافت‌ها و زمینه‌های نهادی: بافت‌ها و زمینه‌های نهادی در واقع محل تولید ایدئولوژی محسوب می‌شوند. اساس و پایه شرایط محیطی توسط آن‌ها ایجاد می‌شود که منجر به کسب مشروعیت فرهنگ می‌شود و به واسطه آن، آثار فرهنگی خلق و تولید می‌شود. اولین مرکز آزادی‌طلبی و عدالت‌خواهی دربار خاندان قاجار بود که منجر به ظهور اولین مخالفت‌ها با اصول حکومت استبدادی شد. مهم‌ترین پیشروان نهضت آزادی در ایران، یعنی میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و میرزا یوسف خان مستشارالدوله همگی از نمایندگان سیاسی دولت وقت به شمار می‌آمدند. ملکم در نگارش اصول آدمیت از فلسفه انسان‌دوستی آگوست کنت فیلسوف و جامعه‌شناس عالی‌قدر فرانسوی الهام گرفت. ملکم مکتبی پدید آورد که مؤثرترین عامل انتشار مفهوم آزادی و تجددخواهی در ایران تلقی می‌شود. پایه و اساس این مکتب «اصول آدمیت» بود که تعالیم اخلاقی را با هدف و منظور سیاسی نشر می‌داد (آدمیت، ۱۳۹۴: ۱۴۹). در ابتدای قرن چهاردهم هجری، یعنی در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه اقلیتی از روشنفکران گرد هم آمده و گروهی تشکیل دادند. این گروه در آن زمان تنها افرادی بودند که با مفاهیم آزادی و عقاید سیاسی و مدنی غربی تا حدودی آشنا بودند و به دنبال ترویج دموکراسی در دوران سلطنت مطلقه بودند (همان، ۱۵۱).

زنجیره‌های کنش: همانطور که ذکر شد زنجیره‌های

پیکرن‌گذاری درباری مهم‌ترین مکتب در نقاشی قاجار محسوب می‌شود که با تلفیق ویژگی‌های تکنیکی نوین و سنتی به نوع جدیدی از منش تصویری نگارگری ایرانی دست یافت. پیکرن‌گذاری در این عصر دیدی زیبایی‌شناسانه مطابق با معیارهای زیبایی عصر خود دارد. نقاشی پیکرن‌گذاری درباری قاجار، برای نخستین بار در دوره قاجار در زمان فتح‌علی‌شاه قاجار با مضامین رایج در نقاشی این دوران همچون چهره شاه، شاهزادگان، رقصندگان و نوازندگان شکل گرفت (حاتم، ۱۳۸۷: ۳۵). نقاشی‌های پیکرن‌گذاری متعددی در این دوران از فتح‌علی‌شاه و شاهزادگان به‌جای مانده است. ارتباط با اروپا و تک‌پیکرن‌گذاری برای تبلیغ و تثبیت شاهانه و تکثیر تصاویر انسانی به ظهور پدیده انسان‌گرایی در هنر دوره قاجار انجامید و انسان در اکثر تصاویر انسانی حضور عمده و ویژه پیدا کرد.

مطالعه و بررسی تحولات جامعه قاجار بر روی قالی‌های تصویری بر اساس مدل نظری وسنو مفاهیم دسته اول

شرایط محیطی: در این بخش به اتفاقات مهم سیاسی جامعه قاجار اشاره می‌شود که به‌عنوان آغاز تغییرات این دوره تلقی می‌شود. یکی از مهم‌ترین اتفاقات سیاسی در دوره قاجار، انقلاب مشروطه است؛ که منجر به تحولی عظیم در جامعه آن عصر شد. انقلاب مشروطه را می‌توان به‌عنوان یک مبدأ تاریخی مهم در جغرافیای ایران در نظر گرفت که به واسطه تحول مهمی که در کشور رخ داد، می‌توان قائل به دو دوره قبل از مشروطه و بعد از آن شد. در مطالعه تاریخ نهضت مشروطیت ایران، دو جریان اصلی قابل شناسایی است؛ در ابتدا بیداری افکار و نشر عقاید سیاسی و مدنی جدید که در واقع مقدمه‌ای بر هوشیاری ملی و نهضت آزادی بود، رخ داد. سپس مرحله بعدی از زمان تحصیل فرمان مشروطیت تا قیام ملی شروع شد که به خلع محمدعلی شاه از سلطنت انجامید (آدمیت، ۱۳۹۴: ۱۷). در تاریخ ایران، انقلاب مشروطیت به‌عنوان نقطه عطفی در مواجهه با مدرنیته تلقی می‌شود. به عبارتی اولین رویارویی با مدرنیته همزمان با مشروطه در ایران پدید می‌آید. مشروطیت فصل جدیدی از تاریخ ایران است که در واقع در نتیجه تأثیرپذیری از غرب رخ داده است. در این دوره جامعه ایران تحت تأثیر این اتفاق مهم، تحولات متعدد سیاسی، اجتماعی، مذهبی را از سر گذرانده است. انقلاب مشروطه را به نوعی می‌توان مرز ایران قدیم و جدید تلقی کرد (نظری، ۱۳۸۶: ۳۳). مشروطیت در واقع گفتمان هویتی جدیدی ایجاد کرد که عمیقاً جامعه قاجار را تحت تأثیر قرار داد (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۷۸). این گفتمان جدید که در نتیجه آشنایی ایرانیان با مدرنیته ایجاد شده بود، منجر به شکل‌گیری مناسبات اجتماعی و سیاسی جدیدی شد. تحولات سیاسی-اجتماعی در گفتمان مشروطیت در نتیجه

مرادوات با غرب ایجاد شد، تصویرگری در زمینه‌های مختلف هنری از جمله قالی‌ها رواج پیدا کرد. با افزایش تولید محصولات فرهنگی مختلف که در آن‌ها تصویرگری انجام می‌گرفت، هنرمندان به اهمیت این رسانه‌ها در راستای انتقال اندیشه‌های خود که متأثر از شرایط جامعه بودند، بیش از پیش پی بردند. هنرمند قالی‌باف نیز از این اندیشه دور نبوده و به خلق تصاویر متعدد در زمینه قالی‌ها پرداخت. یکی از موضوعات مهمی که در نتیجه تأثیر از غرب در زمینه قالی‌های تصویری رواج پیدا کرد، ظهور تصویر انسان بود. هر چند از دوره صفوی از تصویر انسان در متن قالی‌ها بهره برده می‌شد که عمدتاً در قالب طرح‌های شکارگاه بودند، اما در دوره قاجار طی برخوردی جدید با سوژه انسان در هنرهای مختلف از جمله قالی‌ها، تصویر انسان به صورت تک‌پیکرن‌نگاری برای نخستین بار در قالی‌های تصویری ظهور پیدا کرد. در این رویکرد جدید، انسان به صورت سوژه اصلی مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که انسان در طی داستان‌ها و موضوعات مختلف در زمینه قالی‌ها به عنوان موضوع اصلی در این دوره به تصویر کشیده شده است.

تصویر انسان در قالی‌های دوره قاجار، از لحاظ موضوعی بسیار متنوع است؛ در موضوعات گوناگون تصویر شده در قالی‌های تصویری این دوره، در چهار دسته قابل طبقه‌بندی است؛ دسته اول با عنوان قالی‌های سلاطین یا مشاهیر معروف است که در آن‌ها تصاویر افراد مختلف اعم از افراد مشهور یا پادشاهان دوره‌های مختلف تاریخی در کنار هم آمده است. در این قالی‌ها صورت و نام پادشاهان از دوران اساطیری ایران و سپس دوران تاریخی اشکانی، ساسانی، صفوی، افشار، زند و قاجار تا دوره احمدشاه بر روی قالی نقش بسته است (تصویر ۱). دسته دوم، قالی‌هایی با موضوعات ادبی که برگرفته از داستان‌های هفت‌پیکر یا شاهنامه هستند و شخصیت‌ها و افرادی از این داستان‌ها در اندازه و ابعاد قابل توجه به تصویر درآمده‌اند (تصویر ۲). دسته سوم، قالی‌هایی هستند که مضامین مذهبی دارند و عموماً شخصیت‌هایی همچون

کنش، مرتبط با بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی بوده و شامل تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و حامیان فرهنگ تعریف شده است. در این میان حامیان فرهنگ نقش مؤثری در رفتار تولیدکنندگان فرهنگ و مخاطبان آن دارند که در نهایت آثار فرهنگی نیز تحت تأثیر آن‌ها تولید می‌شود. در طول تاریخ، در نتیجه نوعی هنرپروری متمرکز در دربار ایران، شاهان و شاهزادگان همواره مهم‌ترین سفارش‌دهندگان آثار هنری بوده و مؤثرترین حامیان هنرمندان به شمار می‌آمدند. در نتیجه این شکل از هنرپروری، رشد هنر به اوضاع سیاسی مشروط شد و سبک‌های رسمی و قراردادی تحت تأثیر مستقیم سلیقه سفارش‌دهنده به وجود آمد. بنابراین صحنه‌های درباری در هنر ایران عمدتاً به نمایش شوکت شاهانه پرداخته و کمتر به زمان و مکان خاص مربوط می‌شوند (افشار مهاجر، ۱۳۸۴: ۴۸).

هم‌زمان با انقلاب مشروطه و شکل‌گیری مطالبات آزادی‌خواهی مردم جامعه قاجار با حمایت نخبگان فرهنگی و اجتماعی، آثار فرهنگی و هنری متأثر از فضای سیاسی و اجتماعی تولید شدند که در واقع بازتابی از تحولات جامعه حاضر بودند. یکی از مهم‌ترین محصولات فرهنگی آن دوره قالی‌های تصویری است که عمده تولید این قالی‌ها توسط طبقه متوسط جامعه و به دور از الزامات و قید و بندهای نهادهای حاکمیتی تولید شده‌اند؛ یکی از دلایل مهم این امر این است که این قالی‌ها به نوعی بازتاب آرمان‌ها و گفتمان اجتماعی غالب در میان توده‌ها به شمار می‌آیند و در واقع حاوی نشانه‌هایی از جامعه و فرهنگ تولیدکنندگان هستند (میرزایی و رحمانی، ۱۴۰۰: ۶۹).

مفاهیم دسته دوم

تولید، انتخاب و نهادینه‌شدن: دومین دسته شامل مراحل تولید، انتخاب و نهادینه شدن است. در مرحله تولید، افکار و اندیشه‌ها صورت‌بندی شده و گفتمان‌ها ایجاد می‌شوند. بعد از اینکه حجم زیادی از محصولات فرهنگی تحت تأثیر گفتمان حاکم بر جامعه تولید می‌شود، فرآیند انتخاب آغاز می‌شود. در نهایت ساز و کارهای معمول برای تولید و اشاعه اشکال خاصی از گفتمان به وجود می‌آید. یکی از متداول‌ترین راه‌های بیان ایدئولوژی حاکم، آثار هنری است. با افزایش تولید محصولات فرهنگی و هنری، تنوع در محصولات رخ می‌دهد که منجر به انتخاب یا گزینش اجتماعی می‌شود. در آخرین مرحله این روند، محصولات جدید جایگزین محصولات قبلی شده و به عبارتی نهادینه می‌شوند. یکی از مهم‌ترین محصولات فرهنگی در عصر قاجار، قالی‌های تصویری هستند. تاریخ پیدایش این قالی‌ها مربوط به عصر قاجار است. تا قبل از آن دوره به موضوعات تصویری در زمینه قالی‌ها به شکلی که در این دوره توجه شده، پرداخته نمی‌شد.

بر اساس اندیشه‌ها و افکاری که در جامعه قاجار در نتیجه



تصویر ۱. قالیچه تصویری شاه عباس، بختیاری (سامان)، ۱۳۴۰ هجری قمری (تناولی، ۱۳۶۸: ۲۵)

در این دوره اهمیت پیدا کرد. به عبارتی تک‌پیکرها در واقع یک انسان معمولی و عادی را تصویرپردازی می‌کردند (تصویر ۵). تک‌پیکره‌نگاری‌هایی که از اواخر دوره صفویه در نگارگری آغاز شده بود، در این دوره، هم در زمینه نقاشی و هم در زمینه قالی به تصویر درآمد؛ با این تفاوت که انسان مثالی آن زمان جای خود را به موجودی زمینی داد که در دوره اول قاجار در قالب ظاهر پرتجمل و در واقع پیکرنگاری از شخص پادشاه بود ولی در دوره دوم یعنی از دوره حکومت ناصرالدین‌شاه به این سو، به تصویرپردازی واقع‌گرایانه از انسان پرداخته شد. این واقع‌گرایی بدون در نظر گرفتن مقام و جایگاه انسان مورد نظر بود. یعنی حتی اگر موضوع تصویر شخص پادشاه نیز بود با در نظر گرفتن واقع‌گرایانه بودن ویژگی‌های تصویر، نقش‌پردازی می‌شد. یکی دیگر از تحولاتی که در این زمینه رخ داده است، بر عکس پیکرنگاری درباری که موضوع شخص پادشاه و یا شخصیت‌های سرشناس جامعه بود، در دوره دوم قاجار علاوه بر واقع‌گرایی، موضوع انسان معمولی که در واقع فرد ناشناسی از جامعه بود نیز رواج پیدا کرد. به عبارتی بحث واقع‌گرایی در هنر دوره قاجار در دو سطح مطرح شده است، در سطح اول استحاله شخص پادشاه از موجودی فرازمینی به انسانی این جهانی اتفاق افتاده و در سطح دوم سوژه انسان از پادشاه به انسان عادی از جامعه تغییر پیدا کرده است.

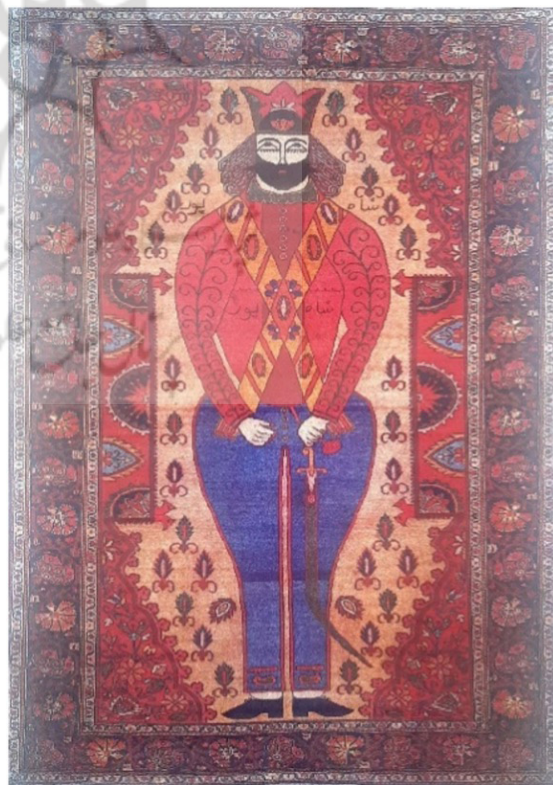
دراویش در آن‌ها به تصویر کشیده شده‌اند (تصویر ۷). دسته چهارم شامل موضوع زنان است؛ در این دسته تصاویر زنان اعم از ایرانی و اروپایی نقش‌پردازی شده است (تصویر ۳). بعد از خلق قالی‌های تصویری در این دوره که در آن‌ها انسان به‌عنوان موضوع فرعی بوده، دسته جدیدی از این قالی‌ها با موضوع انسان تولید شد که در آن انسان به‌عنوان سوژه اصلی مطرح شده است.

تک‌پیکرنگاری در واقع در ادامه پیکرنگاری درباری در هنرها و به ویژه در قالی‌های تصویری اتفاق افتاده است. در ادامه روند تجدیدگرایی و گفتمان حاکم بر جامعه قاجار، استحاله‌ای در پیکرنگاری درباری اتفاق افتاد که از ابعاد مختلف قابل بررسی است. در دوره قاجار نقاشی ایرانی با دور شدن از جهان مثالی و گرایش به هنر غرب به سوی واقع‌نمایی نزدیک می‌شود. بر خلاف دوره‌های قبل، شکل انسان در هنر قاجار، جایگاه خود مبتنی بر آموزه‌های عرفان ایرانی را به کل از دست داد و به‌عنوان عنصری تجسمی-تزیینی و صرفاً در جهت بازنمایی ظاهری مدل تعریف شد. در هنر این عهد شکل انسان بر سایر عناصر نگاره برتری داشته است» (ابراهیمی ناغانی، ۱۳۸۶: ۸۶).

در نتیجه این اتفاق، شکل انسان از نمونه آرمانی و مثالی، به انسان این جهانی تغییر ماهیت داد؛ نمایش ویژگی‌های فردی



تصویر ۳. قالی تصویری، تک‌پیکره زن، متعلق به اواسط سده چهاردهم هجری، بختیاری، (تناولی، ۱۳۶۸: ۲۹۳)



تصویر ۲. قالیچه تصویری شاپور اول، اراک (ج) اواخر قرن سیزدهم هجری قمری (تناولی، ۱۳۶۸: ۱۶۰)



تصوير ۵. قالی تصويری، احمدشاه، متعلق به اواسط قرن چهاردهم هجری، قشقایی، (تناولی، ۱۳۶۸، ۲۳)



تصوير ۴. قالی تصويری، فتحعليشاه قاجار، متعلق به اوایل قرن چهاردهم هجری، محل بافت: کاشان، (تناولی، ۱۳۶۸، ۱۸۳)

تفسیری فراقانونی و فرازمینی بود اما تجددگرایان سعی کردند آن را در چارچوب قانون معنا کنند. وضع قوانین زمینی مرتبه آسمانی شاه را به زیر می‌کشد و در نتیجه آن شاه نیز همچون سایر افراد شهروند محسوب می‌شود (تصویر ۵) (همان، ۱۳۲).

مفاهیم دسته سوم

افق اجتماعی، قلمروهای گفتمانی و کنش نمادین: افق اجتماعی در واقع هم باعث خلق ایده‌ها می‌شوند و در عین حال ایده‌ها نیز افق اجتماعی را بازتاب می‌دهند. به عبارتی دیگر ارتباط دو سویه‌ای بین افق اجتماعی و ایده‌ها وجود دارد. از نظر وسنو محصولات فرهنگی در زمان و مکان تولید می‌شوند و این دو ویژگی، باعث ایجاد محدودیت‌هایی بر افق اجتماعی می‌شوند. به عبارت دیگر افق اجتماعی، باعث به وجود آمدن درجه‌ای از پیوند و گسست بین محصولات می‌شوند. تغییر در نظام‌های هنری در هر دوره تاریخی بر اساس تحولات اساسی در گفتمان کلان آن دوره به وجود می‌آید. گفتمان‌ها فقط منحصر به کلمات و عبارات نبوده و علائم و نشانه‌های غیر کلامی نیز در شکل دادن به آن نقش دارند. گفتمان مشروطیت را می‌توان جایگزین گفتمان کهن سلطنت در جغرافیای ایران تلقی کرد. کهن سلطنت یکی از گفتمان‌هایی است که در تاریخ ایران عمری بسیار طولانی دارد، گفتمانی که در فرهنگ سیاسی ایرانیان از دیرباز نفوذ کرده و به نوعی با هویت ایرانی پیوند خورده بود.

بازنمایی رئالیستی در تصویرگری ایرانی جایگزین صورت‌های آرمانی و خیالی شد و شبیه‌سازی با قدرت و ظرافت هرچه بیشتر در تصویرگری رواج یافت. در این روند نمایش و به تصویر کشیدن انسان مثالی در نقاشی ایران به نفع تصویرگری حالات درونی مدل کنار زده شد. در حقیقت با این تغییر رویکرد در هنر دوره قاجار، نوعی تمایل به سوی نگرش اومانیستی جلوه‌گری می‌کرد؛ و تصویرگران با بهره‌گیری از دیدگاه برتری و حاکمیت انسان بر طبیعت، تفکر اومانیستی را در قالب هنر ایران به نمایش می‌گذاشتند. انسان به تصویر کشیده شده در این قالی‌ها، با دور شدن از جهان مثالی به نوعی واقع‌نمایی نزدیک شده است. در مطالعه قالی‌های تصویرگری این دوره و بررسی نقش‌مایه انسان و کیفیت برخورد با این نقش‌مایه حاکی از ظهور نگاه جدیدی به انسان و تصویرگری آن در این زمینه نوپا یا همان قالی است.

از نیمه دوم دوره قاجار در سطح اجتماع شاهد نزاع و درگیری میان دو گفتمان کلان، گفتمان دربار و گفتمان مدرنیته بر سر تثبیت معنا هستیم. گفتمان مدرنیته در حاشیه گفتمان مرکز شکل گرفت و دال‌های این گفتمان در تضاد ذاتی با دال‌های گفتمان مرکز قرار داشت. سرانجام گفتمان مدرنیته در دوره ناصرالدین‌شاه به حد بالایی از اجماع رسید (سجودی و عطایی، ۱۴۰۰: ۱۱۸). تفسیری که گفتمان دربار از «پادشاه» ارائه می‌کرد،



تصویر ۷. قالیچه تصویری با تصویر درویشان، کاشان، (تفاولی، ۱۳۶۸: ۵۹).



تصویر ۶. باده‌نوشی شیخ صنعان از داستان دختر ترسا، قالی تصویری (یساوی، ۱۳۷۴: ۷۸).

علم به وجود آمد که در نهایت به نام انسان و انسانیت به منصف ظهور رسید. مدرنیته در نتیجه اعتماد و اتکا به عقل انسانی در مقام شناسا به وجود آمد که در نتیجه آن تئوری عدالت، آزادی، حقوق در عرصه سیاسی و اقتصادی ایجاد شد (آشوری و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۸۷). تکیه بر انسان و یا اصالت بشر -اومانیسم- در واقع اساس و بنیاد تمدن غرب است که به عنوان مهم‌ترین ویژگی آن نیز محسوب می‌شود. به عبارتی مسئله اومانیسم، به لحاظ ایدئولوژیک و مفهومی، محور مباحث دنیای مدرن و حتی پسامدرن به شمار می‌آید (دیویس، ۱۳۹۳: ۱۱).

در نگاهی کلان به موضوع تصویرسازی از انسان در دوره قاجار و با مطالعه سیر و روند آن، فراتر از اینکه صرفاً تحت تأثیر تکنولوژی، واقع‌گرایی در تصویرسازی موضوع انسان اتفاق افتاده باشد، با تغییر فکر یا دیدگاه جامعه روبرو هستیم. در پس این تغییر تفکر در جامعه می‌توان ریشه‌های فلسفی تفکر و باوری با نام اومانیسم را جستجو کرد. با مطالعه سیر تحول نقش‌مایه انسان در هنرهای دوره قاجار که تحت تأثیر گفتمان غالب در هر دوره‌ای این اتفاق پدید آمده است، حاصل و نتیجه گفتمان دربار، پیکرنگاری درباری و کاربرد آن استفاده از تصویر شخص پادشاه در ایده‌آل‌ترین و زیباترین حالت ممکن جهت

در طول تاریخ، ایران همواره نوعی از حکومت را داشته که یک پادشاه در رأس تمام امور کشوری بوده است. گفتمان مشروطه در واقع نظم گفتمانی جدیدی را جایگزین نظمی رسوب کرده می‌نمود (رادمرد و حق‌گو، ۱۳۹۹: ۱۸۸). از جمله دلایل اصلی وقوع انقلاب مشروطه می‌توان به شکل‌گیری مطالبات آزادی‌خواهی در میان طبقه متوسط و کارگری جامعه اشاره کرد که با حمایت تجار و نخبگان فرهنگی و اجتماعی در دهه‌های اخیر عصر قاجار رخ داد (میرزایی و رحمانی، ۱۴۰۰: ۶۸). تغییر در تفکر سیاسی و اجتماعی و نوع نگرش مردم به زندگی یکی از اساسی‌ترین تغییراتی بود که در این دوره در کشور رخ داد.

گفتمان مشروطیت که خود مفهومی برگرفته از فلسفه سیاسی غرب و مبتنی بر اندیشه‌های آزادی، برابری، عدالت و غیره بود، یکی از دستاوردهای آشنایی ایرانیان با افکار انسان‌گرایانه غربی بود (رحیمیان، ۱۳۹۴: ۱۲۸) انسان‌گرایی یکی از محوری‌ترین شاخصه‌های مدرنیته غربی تلقی کرد که تحت تأثیر تفکر اومانیست‌های رنسانس به وجود آمد (صانع‌پور، ۱۳۸۹: ۸۷). مدرنیته در قرن هجدهم، در امتداد مفاهیمی از جمله عقل و

جدول ۱. دسته‌بندی قالی‌های تصويری قاجار با مضمون پيکرننگارانه (تک پيکره)

دسته‌بندی قالی‌های با مضمون پيکره	موضوع	طريقه نمايش
سلاطين	هوشنگ‌شاه	پيکره شاهان اسطوره‌ای و تاريخی ايران به صورت آرمانی و در زيباترين فرم نمايشی به حالت تمام‌رخ و از روبرو به صورت ايستاده و يا نشسته با تمرکز بر پيکره شاه در مرکز تصوير و با جزئیات تزيینی نمايانگر اقتدار و شکوه شاه. نمايش پيکره شاهان از زمان بعد فتحعلي‌شاه به سمت واقع‌نمایی سوق يافت (تصوير ۴).
	جمشيدشاه	
	خشایارشاه	
	شاپور	
	شاه‌عباس	
	نادرشاه	
	فتحعلي‌شاه	
	ناصرالدین‌شاه	
	محمدعلي‌شاه	
	احمدشاه	
زن	زن قاجار/ زن فرنگ	تصويرگري پيکره زنان زيبا با چهره شرقي يا بعضاً زنان فرنگ به حالت ايستاده در مرکز تصوير و با جزئیات (تصوير ۳)
مضامين مذهبی	ابراهيم و اسماعيل (ع)	تصويرگري پيکره و شمایل مذهبی افراد همراه با روايت مذهبی (تصوير ۷). تصوير مربوط به درويشان در دسته اول مربوط به نورعلي‌شاه از مشايخ بزرگ فرقه نعمت‌اللهی است؛ در دسته دوم وسائل آيينی دروايش از جمله کلاه (طاقیه)، تبرزين، کشکول، پوستين و چننه همچون نمادهایی مورد توجه واقع شده‌اند که در راستای بيان اهداف و محتوای مذهبی مورد استفاده قرار گرفته و از لحاظ معناشناسی بسيار مهم هستند (آهني و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۹).
	مریم و مسيح (ع)	
	يوسف (ع)	
	دراویش	
مضامين ادبی	بهرام گور	تصويرگري شخصيت‌های مختلف از داستان‌های مختلف ادبی (تصوير ۶). داستان شيخ صنعان و دختر ترسا که از شاهکارهای ادب فارسی در سده ششم هجري بوده و به دفعات در زمينه‌های مختلف هنری تصويرسازی شده است؛ موضوعات محوری تصوير شده در اين آثار هنری شامل صحنه شراب نوشيدن شيخ، صحنه ديدن دختر ترسا و عاشق شدن شيخ و خوک‌پروری شيخ است (آهني و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۵).
	لیلی و مجنون	
	خسرو و شيرين	
	درويش	
	شيخ صنعان	

نيز به عنوان موضوع تک پيکره‌ها مطرح شد. واقع‌گرایی و تنهایی با موضوع انسان عادی به غير از پادشاه، و در ادامه انتخاب انسان معمولی به عنوان سوژه تک پيکره‌ها روندی است که با مطالعه فلسفه اومانیسم قابل تعبير است. واقع‌گرایی یکی از ویژگی‌های مهمی است با کیفیت‌های مختلف در تصاویر انسان به کاررفته در قالی‌های تصويری دوره قاجار به آن پرداخته شده است. پادشاه در شکل یک انسان عادی به تصوير کشيده شد و انسانهای عادی موضوع تصويرگري قرار گرفت. تک پيکره‌ها و فيگورهای تکی که در آن انسان هم به عنوان سوژه اصلی است و هم این که در واقع در نتیجه یکی دیگر از مؤلفه‌های اومانیسم یعنی تنهایی انسان حاصل شده است. تک پيکره‌ها در ابتدای راه به شکل پيکرننگاری درباری ظهور پیدا کرد، که در آن‌ها شخص پادشاه به عنوان سوژه اصلی مطرح شده است. در ادامه این روند همان طور که ذکر شد اهمیت پیدا کردن سوژه‌هایی به غير از شخص پادشاه یعنی انسان‌های عادی اشاره به یکی دیگر از مؤلفه‌های اومانیسم یعنی یکسان انگاری دارد. یکسان انگاری

انتقال مفهوم قدرت است. آنچه در ادامه اتفاق افتاده و تحت تأثیر گفتمان تجدد، در جامعه قاجار که در نتیجه مراوده با غرب بوده، جامعه با تحولی عظیم در برخورد با سوژه انسان مواجه بوده است. با مطالعه‌ای که بر روی تصوير انسان در قالی‌های تصويری انجام گرفت، بر اساس فلسفه و تفکر اومانیسم قابل مطالعه و بررسی است. یکی از سوالاتی که در این مسیر به ذهن متبادر می‌شود این است که چرا واقع‌گرایی در این دوره رواج يافت؛ تحت تأثیر چه عواملی تصاویر واقع‌گرایانه مورد پسند قرار گرفت. در این راستا مؤلفه‌های فلسفه اومانیسم در قالی‌های تصويری با موضوع تک پيکره مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. علاقه به تصويرپردازی به موضوع انسان به عنوان سوژه اصلی در آثار هنری برگرفته از اهمیت انسان است، یعنی اصالت بشر. اولین موضوعی که در این تک پيکره‌ها به آن پرداخته شد، تصوير پادشاهان بود. تک پيکره و یا انسان به صورت فيگور تک در آثار هنری اشاره‌ای به تنهایی انسان دارد. اولین تک پيکره‌ها تصوير پادشاه بود، در ادامه با رواج واقع‌گرایی، انسان‌های عادی

جدول ۲. مفاهیم رویکرد وسنو و معادل آن‌ها در قالی تصویری قاجار با محوریت پیکرنگاری

دسته بندی	مفاهیم برگرفته از نظریه وسنو	شرح مفاهیم مرتبط با موضوع
گروه اول	شرایط محیطی	آشنایی با مدرنیته، اندیشه و فلسفه غرب، انقلاب مشروطه
	زمینه‌های نهادی	فلسفه اومانیسم، پیشروان نهضت آزادی
	زنجیره‌های کنش	تولیدکنندگان، سفارش‌دهندگان و حامیان فرهنگی و نخبگان اجتماعی
گروه دوم	تولید	محصولات فرهنگی (قالی تصویری)
	گزینش	پیکرنگاری برگرفته از تفکر انسان‌گرایی
	نهادینه‌کردن	تک‌پیکره‌انسان
گروه سوم	افق اجتماعی	دوره قاجار و در جغرافیای ایران
	قلمروگفتمانی	گفتمان مدرنیسم، گفتمان مشروطیت جایگزین گفتمان کهن سلطنت
	کنش‌نمادین	تولید آثار هنری (قالی تصویری) با توجه محوری به تک‌پیکره

قالی‌های تصویری همه عناصر دیگر را در پرتو خود قرار می‌دهد و سیطره بی‌چون و چرای خود را بر فضای اثر چه به لحاظ اندازه و ترکیب‌بندی وسعت و چه به لحاظ تأکیدی محقق می‌کند. از اینرو می‌توان مهم‌ترین دستاورد این تغییر فرهنگی را تحول نگرش به پیکره انسان در نقاشی ایرانی از نوع نگاه آرمانی و برگرفته از جهان مثالی به مضامینی این جهانی و ناسوتی دانست.

پی‌نوشت‌ها

1. Robert Wuthnow
2. Environment conditions
3. Production, selection and institutionalization
4. Social horizons, discourse domains and symbolic actions

فهرست منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۹۴). *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*. تهران: گستره.
- آشوری، داریوش و دیگران (۱۳۷۵). *سنت و مدرنیته، پست مدرن*. تهران: نشر صراط.
- آهنی، لاله؛ یعقوب زاده، آزاده؛ حرمتی، حمیده (۱۳۹۶). "بررسی جلوه‌های بصری و محتوایی حکایت شیخ صنعان در هنرهای تصویری دوره قاجار". *مطالعات هنر/اسلامی*. ۱۳، ۲۷. ص ۷۵-۱۰۰.
- آهنی، لاله؛ یعقوب زاده، آزاده؛ وندشعاری، علی (۱۳۹۵). "مطالعه قالی‌های درویشی دوره قاجار با تأکید بر قالی‌های نورعلیشاهی". *دو فصلنامه پژوهش هنر*. ۶، ۱۲. ص ۱۲۱-۱۳۰.
- ابراهیمی ناغانی، حسین (۱۳۸۶). «جلوه‌ی شکل انسان در نقاشی دوره قاجار». *فصلنامه علمی-پژوهشی گلستان هنر*. شماره ۹. ص ۸۸-۸۲.

یعنی اهمیت انسان بدون در نظر گرفتن جنسیت، ملیت و نژاد و جایگاه و در حالت کلی به نوعی می‌توان اهمیت اصالت بشر تعبیر کرد. تأثیرات مدرنیسم در ایران و دلیل علاقه به تصاویر واقع‌گرایانه، زمینی‌شدن موضوعات، نشان دادن انسان واقعی، تک‌فیگورها در حالت کلی اهمیت موضوع انسان در این دوره مهم‌ترین ویژگی که تصویر انسان در زمینه قالی به صورت بارز داراست، برتری انسان است که حاصل تفکر انسان‌مدارانه می‌باشد. در نهایت ظهور این ویژگی‌ها که به عنوان کنشی نمادین برگرفته از گفتمان حاکم بر جامعه قاجار است؛ در واقع این امر تجلی مؤلفه‌های اومانیسم است که اشاره به محوریت و اهمیت انسان و فلسفه اصالت بشر دارد.

نتیجه‌گیری

قالی‌های تصویری به عنوان رسانه مهم، به واسطه تأثیرپذیری از تصویرگری و عکاسی غربی هم از لحاظ محتوا و هم طریقه نمایش، نسبت به دوره‌های قبل به میزان قابل توجهی دستخوش تغییر گشت. پدیده تصویرگری پیکره انسان همچون تحولی چشمگیر در عرصه هنر ایران دوره قاجار ظهور و نمود یافت. پیکره انسان به عنوان موضوع اصلی در قالی‌های تصویری قاجار را می‌توان پدیده‌ای دانست که تا حدود زیادی به دنبال تأثیرپذیری از فرهنگ و تفکر اومانیستی حاکم بر غرب به هنر ایران رخنه کرد.

این تغییر فرهنگی منجر به نمایش پیکره انسان در طبق نگرش انسان‌گرایی شد. پیکره‌نگاری به نوعی برتری و حاکمیت انسان بر طبیعت را که حاصل تفکر انسان‌مدارانه است، در قالب این هنر به نمایش گذاشته شده است. این تغییر نگاه به تصویرگری انسان چه در نوع نمایش و چه ابعاد و موضوعیت تصویری را نتیجه تغییر فرهنگی می‌توان تلقی نمود که از اواخر صفویه آغاز و در عصر قاجار به بار نشست. انسان در

- افشار مهاجر، کامران (۱۳۸۴). *هنرمند ایرانی و مدرنیسم*. تهران: دانشگاه هنر.
- ایمانی، الهه؛ طاووسی، محمود؛ چیت‌سازیان؛ شیخ‌مهدی، علی (۱۳۹۴). «گفتمان باستان‌گرایی در نقوش قالی‌های تصویری دوره قاجار». *دو فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن علمی فرش ایران- گلجام*. شماره ۲۸. ص ۲۳-۳۸.
- پرتوی مقدم، عباس (۱۳۸۸). «تأملی در تحولات تاریخ‌نگاری عصر قاجار و عوامل آن تا پیش از انقلاب مشروطه». *پیک نور*. سال هفتم، شماره ۲. ص ۳-۱۵.
- پورمختار، صدیقه؛ قاضی‌زاده، خشایار (۱۴۰۰). «تأثیر اسلام بر هنر ایران، (مطالعه جامعه‌شناختی با تکیه بر آراء رابرت واثنو)». *نشریه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. دوره ۱۲، شماره ۴۴. ص ۱۱۱-۱۳۲.
- تناولی، پرویز (۱۳۶۸). *قالیچه‌های تصویری ایران*. تهران: سروش.
- دیویس، تونی (۱۳۹۳). *اومانیزم*. ترجمه: عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- راد مرد، محمد؛ حق‌گو، جواد (۱۳۹۹). «بسترهای فروپاشی گفتمان کهن سلطنت؛ مطالعه موردی: ناکارآمدی دو وقته عدالت و آزادی». *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. دوره نهم، شماره ۳۲، پیاپی ۶۲. ص ۱۸۷-۲۱۶.
- رشادی، حجت‌الله؛ صالحی، سمیه؛ نوروزی قره قشلاق، حسین (۱۴۰۲). «بررسی و تحلیل میزان بازتاب شاخصه‌ها و ابعاد هویت ملی در قالیچه‌های تصویری دوره قاجار». شماره ۱، پیاپی ۱۰. ص ۲۱۳-۲۳۶.
- رحیمیان، افسانه (۱۳۹۴). «نگرشی بر تفکر انسان‌گرایی در غرب و ادبیات منظوم». دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی. ص ۱۲۲-۱۳۱.
- سجودی، فرزانه؛ عطایی، شلیر (۱۳۹۹). «بررسی تحول کارکرد پیکرنگاری درباری در دوره دوم قاجار و پیامدهای گفتمانی آن». *نشریه پژوهش‌نامه گرافیک نقاشی*. دوره ۳، شماره ۵. ص ۱۱۷-۱۲۷.
- شایسته‌فر، مهناز؛ صباغ‌پور، طیبه (۱۳۹۰). «بررسی قالی‌های تصویری دوره قاجار (موجود در موزه فرش ایران)». *فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر*. شماره ۱۸، سال ۸. ص ۶۳-۷۴.
- صانع‌پور، مریم (۱۳۸۹). «انسان‌گرایی مدرنیته و مبانی اسطوره‌ای آن»، *غرب‌شناسی بنیادی*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال اول. ص ۸۷-۱۱۶.
- علی‌زاده، محمدعلی؛ طرفداری، محمدعلی (۱۳۸۹). «تبارشناسی مبانی هویت ملی در تاریخ‌نگاری ملی‌گرایانه دوران قاجار و مشروطه». *فصلنامه مطالعات سیاسی*. سال دوم، شماره ۷. ص ۱۶۱-۱۷۱.
- علیزاده بیرجندی، زهرا؛ ناصری، اکرم (۱۳۹۵). «پیوندهای هنر و سیاست در عصر قاجار و پیامدهای آن». *مجله علمی پژوهشی*
- پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر. ۱۳ (۴۲). ص ۶۷-۷۸.
- میرزایی، عبدالله؛ رحمانی، فرنوش (۱۴۰۰). «بازتاب ابعاد اجتماعی مشروطه بر قالی‌های تصویری دوره قاجار». *جلوه هنر*. سال ۱۳، شماره ۵. ص ۶۸-۷۹.
- نظری، علی اشرف (۱۳۸۶). «هویت مدرن، ظهور گفتمان مشروطیت در ایران». *فصلنامه مطالعات ملی*. ۳۲، سال هشتم، شماره ۴. ص ۲۹-۵۴.
- وسنو، رابرت (۱۳۹۹). *جامعه‌شناسی فرهنگ: نظریه‌ای درباره رابطه اندیشه و ساختار اجتماعی*. تهران: نشر کرگدن.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Published by Soore University. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

